



“هو العليم”

سخن سردبیر:

رسالت وزیر بصیر و معلمان فهیم آموزش و پرورش
در پیشگیری از آسیب های اجتماعی کودکان و نوجوانان

بدون تردید در همه کشورهای رشد یافته جهان، مسئولیت خطیر پویایی شناختی، سلامت روانی، تحول مطلوب شخصیت و پیشگیری اولیه از آسیب پذیری های اجتماعی همه کودکان و نوجوانان سنین مدرسه (۶ تا ۱۸ سال) بر عهده وزارت آموزش و پرورش می باشد. به سخن دیگر، وزارت آموزش و پرورش صرفا مسئول آموزش و هدایت کودکان و نوجوانان شاغل به تحصیل در مدارس رسمی (دانش آموزان) نمی باشد، بلکه اصالتا می بایست عهده دار آموزش، هدایت و نظارت مستمر بر رفتار همه کودکان و نوجوانان سنین مدرسه، یعنی جمعیت سنی ۶ تا ۱۸ سال کشور، بالاخص، آن گروه از کودکان و نوجوانانی که به دلایل گوناگون در مدارس شهری و روستایی کشور حضور نیافته و یا زود هنگام چرخه نظام تعلیم و تربیت کشور را رها کرده اند و به همین دلیل "دانش آموز رسمی" محسوب نمی گردند نیز باشد. در واقع در یک نگاه ژرف و عقلانی، رسالت سترگ وزیر آموزش و پرورش و معلمانی که امروزه در بیش از یکصد هزار مدرسه و هفتصد هزار کلاس درس در مناطق مختلف کشور حضور دارند، آن است که چتر جامع و استوار هدایتی و حمایتی مستمر و بی وقفه نظام تعلیم و تربیت از پیش دبستانی تا پایان دبیرستان بر سر تک تک دانش آموزان به رغم تفاوت های فردی، خانوادگی و اجتماعی گسترده باشد. در این منظر، انتظار معقول آن است که همواره تعداد ورودی ها به اولین پایه زنجیره چرخه تعلیم و تربیت کشور با تعداد خروجی ها در پایان دوره متوسطه (دیپلم) تفاوت چندانی نداشته باشد و این مهم، از اساسی ترین شاخص مطلوبیت، پیشتازی و شکوفایی نظام آموزش و پرورش کشور خواهد بود.

در تحقق چنین اندیشه و تدبیر بایسته ای، برای هر کودک به هنگام ورود به پیش دبستانی یک شناسنامه تحصیلی و رفتاری طراحی می شود و دانش آموز ورودی هر سال تا پایان دبستان به یک معلم مشاور بصیر،

مجرب، توانمند، متعهد، دلسوز و پرانگیزه سپرده می شود. پس از پایان دبستان، معلم مشاور دبستان هر یک از دانش آموزان خود را با سوابق تحصیلی و رفتاری به معلم مشاور دبیرستان می سپارد و معلم مشاور توانمند و پر بصیرت دبیرستان نیز تا پایان دبیرستان با دانش آموزان خود همگام خواهد بود. بدیهی است معلم مشاور هر دوره، در پایان هر پایه تحصیلی، با تکمیل صفحه ای از شناسنامه تحصیلی و رفتاری دانش آموزان با همکاری معلم یا معلمان آن پایه و با هم اندیشی والدین به معلم یا معلمان پایه بعدی تقدیم می نماید.

در این چرخه و زنجیر آموزشی و تربیتی، خروج زود هنگام دانش آموزان به ویژه دانش آموزان استثنایی، قبل از اتمام دوره متوسط و بهره مندی از فرصت یادگیری دروس ضروری و مباحث اساسی و کاربردی و مهارت های ارتباطی و اجتماعی و احساس مسئولیت پذیری به سادگی مقدور نخواهد بود. چنانچه دانش آموزی بخواهد با خروج زود هنگام از مدرسه، در خانه یا کارگاه خاصی اشتغال یابد، می بایست موقعیت و چگونگی اشتغال وی برای مدیران، مشاوران و مددکاران مدرسه کاملاً روشن بوده و این امر با نظارت و هدایت مستمر ایشان انجام پذیرد، به سخن دیگر، در چنین وضعیتی مکان و یا واحد اشتغال نوجوان / دانش آموز، کلاس درسی از کلاس های مدرسه محسوب خواهد شد.

همین است که بعضی از کشورهای رشد یافته جهان، با افتخار و اقتدار اعلام می نمایند که افزون بر ۹۸ درصد از جمعیت کودکان و نوجوانان سنین مدرسه ۶ تا ۱۸ سال کشورشان با پوشش مطلوب آموزشی و هدایتی و حمایت اتحادیه استوار اولیا و مربیان از پیش دبستانی تا پایان دبیرستان در کلاس های مدارس حضور دارند. به همین علت در این کشورها زندان های کوچکتری به نام کانون اصلاح و تربیت، ویژه کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال (یعنی سنین مدرسه) بسیار نادر است. کانون هایی که متأسفانه در کشور ما غالب بزرگسالان آسیب پذیرفته زندانی تجارب حضور در آنها را داشته اند! در یک نگاه پر بصیرت به نیکی در می یابیم که در کشور ما، فقط حدود ۷۵ درصد از جمعیت سنی ۶ تا ۱۸ سال، یعنی کودکان و نوجوانان سنین مدرسه در مدارس شهری و روستایی ما مشغول می باشند!! اما نمی دانیم آن جمعیت ۲۵ درصدی کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۸ ساله ای که بالقوه باید با عنوان دانش آموزان در مدارس حضور داشته باشند، روزهای هفته که در کلاس های درسی ابتدایی و متوسطه حاضر نمی شوند در خانه و محله و کوچه و خیابان چه می کنند و یا در کدام مغازه و کارگاهی مشغولند؟! متأسفانه غالب مدیران و مشاوران و معلمان مدارس هم از آنها خبری ندارند؟

تجارب حاصل از پژوهش های میدانی نگارنده این مقال بیانگر آن است که درصد قابل توجهی از کودکان و نوجوانان مدرسه گریز و خیابانی، مخصوصاً کودکان با کاستی شناختی، در معرض انواع آسیب های

اجتماعی، به ویژه سرقت، اعتیاد و پخش مواد مخدر قرار می گیرند. آری روش های اصلی و اولیه پیشگیری از آسیب ها را باید در کلاس ها و مدرسه ها رصد نماییم.

قدر مسلم، از جمله تدابیر بسیار مهم برای ماندگاری همه دانش آموزان از پیش دبستانی تا پایان دبیرستان در مدارس، حضور مدیران بصیر و معلمان دلسوز و مشاوران متعهد و بلند نگر و انجمن های پویا و پر اقتدار اولیا و مربیان در همه مدرسه ها، زدودن غالب مباحث انتزاعی غیر ضروری و غیر کاربردی از کتاب های درسی، تولید منابع پرجاذبه آموزشی، تالیف کتاب های کاربردی، مهارت محور و خلاق پرور با تاکید بر تناسب ضریب دشواری دروس با ضریب هوشی فراگیران به صورت تحولی می باشد.

از آنجایی که بیشترین افت تحصیلی و مدرسه گریزی دانش آموزان، به ویژه پسرها در دوره متوسطه صورت می پذیرد، بایسته آن است ضمن تقویت خدمات مشاوره ای و حمایتی در دوره دبیرستان، رشته ای کردن دوره دوم متوسطه که ریشه در صدسال گذشته دارد متوقف شود و دوره دوم متوسطه ایران نیز همانند غالب کشورهای رشد یافته جهان به صورت یک رشته عمومی کاربردی، مهارت محور و خلاق پرور ارائه گردد. در سال ۱۲۹۹ در کل کشور کمتر از ۳۰۰ نفر دیپلمه و جود داشت، در آن زمان شاید رشته ای نمودن دوره متوسطه برای تامین برخی نیازها می توانست قابل توجه باشد، اما، امروزه که لیسانس دانش پایه محسوب می گردد هرگز نمی تواند این پدیده نا میمون، امری منطقی و معقول و قابل دفاع باشد! چرا که پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانشجویان در همه رشته های دانشگاهی، در کشورهای مختلف اعم از علوم انسانی، علوم پایه، علوم مهندسی و علوم پزشکی با ظرفیت هوشی، انگیزه و تلاش آنان همبستگی دارد و نه صرفاً گرایش های تحصیلی ایشان در دوره دوم متوسطه!! در حال حاضر صدها نفر از دیپلمه های علوم انسانی با موفقیت قابل توجه در رشته های مهندسی و پزشکی در دانشگاه های مختلف جهان از جمله دانشگاه های علوم پزشکی ایران مشغول تحصیل می باشند. بدون تردید زدودن رشته های فعلی در دوره متوسطه و یکپارچه نمودن تحصیلات با نگاه کاربردی و مهارت محوری، یقیناً درصد قابل توجهی پدیده کم اشتغالی یا بی اشتغالی تحصیلی و احساس مدرسه گریزی دانش آموزان دبیرستانی را کاهش می دهد.

بی تردید، سرمایه گذاری بهینه و بلند مدت در نظام تعلیم و تربیت کشور به ویژه با نگاه هدایت و حمایت مستمر، نگاه داشت همه نوآموزان ورودی به چرخه تعلیم و تربیت تا پایان دوره متوسطه، نهایتاً، قوه قضاییه کشور را سبک بال خواهد نمود. آسیب پذیری اجتماعی، به ویژه گرایش به اعتیاد در نوجوانان به طور چشمگیر کاهش می یابد و جمعیت محبوس در کانون های اصلاح و تربیت و زندان ها به حداقل می رسد، و بالطبع با کم شدن حجم پرونده های قضایی فرآیند داوری بسیار کوتاه می شود.

همین است که وزیر مدبر و معلمان پر بصیرت وزارت آموزش و پرورش، مسئولان اصلی در پیشگیری اولیه از آسیب پذیری های کودکان و نوجوانان سنین مدرسه می باشند. به سخن دیگر، در این معنا، نیروی انتظامی و کلانتری ها، قوه قضاییه و مدیران زندان ها عمدتاً رسالت پیشگیری ثانویه و ثالثیه را از آسیب های اجتماعی بر عهده خواهد داشت، که - البته در بسیاری از موارد اندکی دیر هنگام است. پس با یک نگاه آینده نگر، عزمی استوار، چرخه نظام تعلیم و تربیت کشور را بیش از پیش حمایت نماییم و از شایسته ترین، هوشمند ترین، متعهد ترین، دلسوزترین و پر انگیزه ترین فارغ التحصیلان دانشگاه های کشور با حقوقی بالاتر از میانگین حقوق بگیران دولت و فراهم نمودن تسهیلات شایسته رفاهی برای ایشان جهت آموزش و هدایت مستمر دانش آموزان بهره مند شویم.

دکتر غلامعلی افروز

استاد ممتاز دانشگاه تهران